

نامه جامعه
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی
سال هفدهم- شماره ۱۳۰- تابستان ۱۳۹۸

بازخوانی شخصیت حضرت خدیجه ع.ا.س. در منابع اهل سنت

معصومه بهرامی^۱

چکیده

کتاب اصلی اهل تسنن، حاوی مطالب بسیاری در خصوص شخصیت، اعتقادات و عملکرد حضرت خدیجه ع.ا.س. است. کتاب معتبری چون صحیحین، کتب تاریخی و تفسیری همه در مورد این بانوی بزرگ اسلام سخن گفته‌اند. در این پژوهش سعی شده با روش تحلیلی و توصیفی و به دور از هر گونه تعصب، با استفاده از منابع اهل تسنن، زوایای خاص زندگی این بانو که از نگاه محققین پنهان مانده، مورد کنکاش قرار گرفته و با رویکرد علمی بررسی و بیان گردد تا بدین وسیله قدمی هر چند کوچک در معرفی جایگاه حقیقی و کمالات آن حضرت برداشته و از شخصیتی تأثیرگذار در تاریخ اسلام، رفع محجوریت شود. حضرت خدیجه ع.ا.س. از چنان جایگاه و موقعیتی در اسلام برخوردار است که مکاتب، مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته‌اند از ذکر فضایل او چشم پوشی کنند. البته در مواردی نسبت به این شخصیت ارزشمند جهان اسلام کم‌لطفی‌هایی دیده می‌شود که هر چند، گاه عاری از تعصب و اعمال سلیقه شخصی بوده؛ اما بخشی از آن ناشی از نگرش مغرضانه به ایشان است که منشأ آن بیشتر به دلیل بی‌توجهی و یا گاهی بالا بردن جایگاه بقیه زنان پیامبر ع.ا.س. صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه ع.ا.س.، منابع اهل تسنن، زنان پیامبر ع.ا.س.، اسلام خدیجه.

۱. سطح چهارگرایش تفسیر تطبیقی جامعه الزهرا ع.ا.س.، مدرس m.bahrami1343@gmail.com

مقدمه

گسترش، بقا و تداوم اسلام با حمایت‌های مادی و معنوی بانویی بزرگوار انجام گرفته است که حق بسیار عظیمی بر تمام مسلمانان دارد. در عین حال نسبت به شناخت و معرفی این چهره گرانقدر کوتاهی شده و آن‌گونه که زیننده ایشان است، عمل نشده است. آن حضرت از چنان جایگاهی برخوردار است که علاوه بر منابع شیعی، منابع سایر فرق اسلامی نیز نتوانسته‌اند از ذکر فضایلش خودداری کنند. مطالعه و بررسی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت می‌تواند در مسیر شناخت شخصیت، نقش و عملکرد وی در پیشرفت اسلام مفید باشد. درباره این بانوی بزرگوار، آثار و تالیفات گوناگونی به رشته تحریر درآمده که تنها ۲۹ عنوان کتاب درباره سیره و سبک زندگی آن حضرت، در یک دهه اخیر در قم به چاپ رسیده است. در این میان، در موضوع سیره و اخلاق آن حضرت، می‌توان سه کتاب «خصائص ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام»، «حامیه الرسول» و «محبوبه المصطفی» را از استاد حسین تهرانی نام برد. علی کرمی فریدنی در «نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام» به بعد دیگری از زندگی ایشان پرداخته است. «ام المومنین خدیجه علیها السلام نخستین شهیده امت اسلامی» از سید محمد حسین جلال‌زاده میبیدی؛ «خدیجه برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله» اثر عبدالله علی‌بخشی و «تاریخ و سیره حضرت خدیجه علیها السلام» نوشته باقر شریف قرشی با ترجمه ابوالفضل هادی منش، همگی با نقل روایاتی از شیعه و اهل تسنن، سعی در به تصویر کشیدن چهره حقیقی این بانو دارند.

همچنین مجموعه مقالات همایش صدف کوثر، حضرت خدیجه علیها السلام نیز به بررسی مؤلفه‌های اخلاقی، سن، ازدواج، فرزندان و... آن حضرت پرداخته‌اند. مقالات این مجموعه، زندگی و شخصیت، ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری، بیان فداکاری‌های مالی و فضائل ایشان را در منابع اهل تسنن مورد بررسی قرار می‌دهد. در نوشتار حاضر سعی شده نکات مهم زندگی آن حضرت که نمایانگر جایگاه خاص و وجه تمایز ایشان در بین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و در کتب اهل تسنن به آنها توجه لازم نشده است، تبیین گردد.

۱. ویژگی‌های فردی حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان ممتاز و مشهور عصر خود بود و به همین دلیل، شخصیت و ویژگی‌های ایشان مورد توجه واقع شده است.

۱.۱. نسب

حضرت خدیجه علیها السلام در دورانی متولد شد که زنان در معرض انواع ظلم و بی‌عدالتی بودند. زن در فرهنگ جاهلی از جایگاه و ارزش برخوردار نبود و زنده به گورکردن دختران، یکی از نمودهای این فرهنگ است.

به طور کلی، وضعیت زنان در این عصر همراه با تحقیر بود. در جاهلیت، زن را مظهر مکر و نیرنگ دانسته و عقیده داشتند زن همانند شیطان در پی فریب دادن مردان است؛ به طوری که زنان را در مکر، به مار تشبیه می‌کردند. (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۶۷)

در دوران جاهلیت، زنان هیچ جایگاه و منزلتی در اجتماع نداشتند (سیحانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). به همین دلیل، زمان ولادت آن حضرت به طور دقیق مشخص نیست؛ اما با وجود شرایط نامناسب قبل از اسلام به ویژه در مورد عدم توجه به ثبت دقیق تاریخ زندگی زنان، تاریخ‌نگاران نامدار، از آن بانو به عنوان زنی پاک، نجیب، شریف، عالم و بزرگوار نام برده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۰). همین مقدار توجه به یک زن در آن عصر نشان می‌دهد که وی دارای شخصیتی متفاوت با زنان معاصر خود بوده است.

توجه مورخان به نسب آن بانو نیز قابل تأمل است. «خدیجه از قبیله قریش، پدرش خویلد بن اسد قریشی و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم بود. پانزده سال قبل از عام الفیل - مطابق با سال ۵۵۵ میلادی - در مکه به دنیا آمد. خانواده او از نظر شرافت و نسب، در شمار بزرگترین و با نفوذترین قبیله‌های عرب محسوب می‌شد». (ابن سعد، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۰)

ابن هشام نیز فضایل متعدد آن حضرت را متذکر شده است. وی خدیجه را زنی فاضل و جویای علم و حقیقت و آگاه از کتب آسمانی معرفی می‌کند. بانویی که همواره در پی شناخت نشانه‌های نبوت بود و انتظار ظهور پیامبر آخر الزمان را می‌کشید. از این رو، با دانشمندان آن عصر

و پسر عمویش ورقه بن نوفل که فردی مسیحی و پژوهشگر بود و علاوه بر کتاب‌های آسمانی از علوم زمان نیز اطلاع داشت، در این مورد گفت و گو می‌کرد. (ابن هشام، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۷)

آن بانو از بزرگان قریش و مورد احترام همگان بود. او نه تنها در بین اقوام خود، بلکه در میان زنان آن زمان نیز کم‌نظیر بود. دختر خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد مردم و نمونه شمرده شده است. او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پایبند به دیانت و عقیف و کریم و از اهل بهشت بود. تعبیر تاریخ‌نگاران اهل تسنن در این مورد قابل توجه است: «کانت عاقله جلیله دینه مصونه کریمه من اهل الجنه». (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۰)

حضرت خدیجه رضی الله عنها قبل از اسلام از چنان جایگاهی برخوردار بود که قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله وی را «طاهره» می‌خواندند. باید توجه داشت که تا آن زمان در بین زنان قریش، هیچ زن دیگری ملقب به این صفت نشده بود: «کانت خدیجه تدعی فی الجاهلیه الطاهره» (ابن اثیر، ج ۶، ص ۷۸ و ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۱). فضایل اخلاقی وی در آن عصر بسیار معروف و مشهور بود و بدین جهت، زنان مکه به وی حسد می‌ورزیدند. (همان)

۱.۲. ایمان

حضرت خدیجه رضی الله عنها اولین زنی بود که در فضای اختناق عصر جاهلیت، به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به دین اسلام گروید. در آن زمان، بحث ایمان و اقامه اولین نماز، بسیار حائز اهمیت بود و آن بانو اولین زنی بود که به این شرافت نائل شد. اذعان به این مطلب در روایات اهل تسنن، جایگاه آن حضرت را در مورد ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی روشن می‌کند: «کانت خدیجه اول من آمن برسول الله من النساء». (نیشابوری، ۱۴۲۲، ص ۲۰۳، ج ۴۸۴۴)

حضرت خدیجه رضی الله عنها اولین زن در تاریخ اسلام است که با تمام وجود، از آرمانی الهی حمایت کرد. او در مسیر حمایت از دین خدا و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر تقدیم کل ثروت خود، از آبرو و حتی جان خود نیز دریغ نورزید. وجود آن بانو، سرشار از عشق به پروردگار و پیامبر صلی الله علیه و آله بود. برای درک عظمت ایمان آن حضرت باید به شرایط آن زمان توجه کرد. در عصری که به دلیل سلطه اوهام و رواج بت پرستی و ترس شدید از حاکمیت، حتی مردان جرأت مخالفت با سران قریش

را نداشتند، یک زن نه تنها با مشرکین به مخالفت برخاست، بلکه عضویت خود در حزب خدا و پیروی و اطاعت محض از دشمن سرسخت آنها را نیز به طور علنی مطرح کرد تا جایی که از طرف مردم و زنان قبیله و حتی خویشان خود طرد گردید. این شکل از نواندیشی برای یک زن، آن هم در آن جامعه و شرایط زمانی آن دوره، اگر نگوئیم بی نظیر، به طور قطع کم نظیر است. شجاعت آن حضرت نیز در دفاع از حق قابل تحسین است.

۲. شخصیت اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام

شخصیت اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام، یکی دیگر از زوایای ناشناخته زندگی ایشان است که حق مطلب، مناسب با جایگاه این شخصیت، ادا نشده است.

از ویژگی های اجتماعی آن بانوی نمونه، مدیریت ممتاز و توانمندی اقتصادی وی در امور بازرگانی بود تا حدی که آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسید. او ثروتمندترین زن در مکه و باشرافت ترین زنان زمان خود بود. (ابن هشام، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۴)

اهمیت و ارزش ثروت و کاروان او بسیار زیاد بود تا آن جا که ثروت ثروتمندان آن عصر همچون: ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی بهاب، ابوسفیان و... در مقایسه با ثروت خدیجه علیها السلام بسیار ناچیز بود. (ملبوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۰)

شیوه تجارت و مدیریت ایشان هم قابل توجه است. ابن سعد، از بزرگترین تاریخ نویسان اهل تسنن، در توصیف این موضوع می نویسد: «وی مردان را به خدمت می گرفت و اموالی برای مضاربه در اختیارشان قرار می داد» (ابن سعد، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۱). این حدّ از توانایی و مدیریت، در بین مردان آن زمان نیز به ندرت دیده می شد. اداره ثروتی که در قریش کم نظیر بود، استفاده صحیح از این ثروت، انتخاب راه مناسب تجارت برای بهره وری اقتصادی و افزایش سرمایه و از طرفی، اداره مردانی که هر کدام از آنها، خود یک تاجر بودند، در زمانی که زنان از حقوق اولیه و انسانی هم محروم بودند و برای آنها ارزشی قائل نمی شدند، بسیار عجیب و قابل تحسین است. وی با نظارت و کنترل فعالیت کارگزاران خود، موفقیت های چشمگیری به دست آورد. استفاده از ناظر و بازرس، از ابتکارات ارزشمند وی در امر تجارت و سبب کنترل رفتار کارگزارانش

بود. در سفر تجاری پیامبر ﷺ نیز غلامش «میسره» را مسئول ضبط وقایع و گزارش دقیق کتبی کرده بود. (ابن هشام، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۴ و اصبهانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۳)

با تأمل در نحوه عملکرد حضرت خدیجه رضی الله عنها و اصرار او بر این کار، به نظر می‌رسد در این مورد خاص، هدف اصلی وی با توجه به مطالبی که در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود، تحقیق در خصوص علائم نبوت پیامبر آخر الزمان بود که دانشمندان در مورد آن سخن می‌گفتند. (محلّاتی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۱۷)

با توجه به شرایط آن روز جهان و به ویژه شبه جزیره عربستان و فرهنگ غالب آن دوران مبنی بر اسارت و محرومیت زنان که زمینه بروز تعقل در زنان را غیرممکن می‌ساخت، عقل و درایت آن بانوی نمونه زبانزد بود. «أَنْتَ مِنْ أَحْسَنِ نَسَاءِ جَمَالاً وَ أَكْمَلُهُنَّ عَقْلاً وَ أَتَمَّهُنَّ رَأًیاً» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۳۸۱۸) وی با استفاده از قدرت تعقل و درایت خود و با شناخت کامل زمان و مکان و بررسی شرایط بازار جهانی آن عصر و استفاده از اصل مشورت، توانست کاروان بزرگ تجاری را مدیریت کرده و همگان را به شگفتی وادارد.

حضرت خدیجه رضی الله عنها علاوه بر مزین شدن به فضیلت اولین ایمان آورنده زن در اسلام، تمام اموالش را هم در راه پیشرفت اسلام بذل کرد (ابن سعد، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۲). تمام تاریخ‌نگاران، به نقش اساسی و حیاتی آن بانو در پیشرفت اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله اذعان دارند. آن حضرت نه تنها با مال و ثروت بسیارش، بلکه با تمام وجود از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف وی حمایت می‌کرد. در واقع، گسترش اسلام پس از نزول وحی و تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اصلی، ثبات یافت. فداکاری و شهامت حضرت علی رضی الله عنه از یک سو (ایچی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۲۸) و گذشت و ایثار حضرت خدیجه رضی الله عنها و پایداری آن بانو بر حمایت از دین با جان و مال خود، از دلایل مهم پیشرفت اسلام شمرده می‌شود. (همان)

۳. ازدواج حضرت خدیجه رضی الله عنها

علاوه بر توجه به ابعاد شخصیتی حضرت خدیجه رضی الله عنها، مساله سن ایشان در زمان ازدواج با رسول خدا نیز از مسائلی است که مورد توجه تاریخ‌نگاران قرار گرفته است. هر چند به طور قطع،

این موضوع در اصل شرافت و جایگاه آن بانو هیچ تأثیری ندارد؛ اما به این خاطر که برخی از منابع، سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ را دستاویزی برای کم‌رنگ جلوه‌دادن فضایل آن حضرت در مقابل برخی از زنان پیامبر ﷺ قرار داده‌اند، لازم است به آن اشاره شود. در مورد سن ازدواج آن حضرت با پیامبر ﷺ نقل‌های مختلف در تاریخ وارد شده است. اما دو روایت به دلیل اتصال به صحابه در کتب روایی اهل تسنن مطرح است: روایت اول از هشام بن محمد بن سائب کلبی است که از ابن عباس نقل می‌کند آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر ﷺ بیست و هشت سال داشتند و کابین ایشان به اندازه بقیه همسران پیامبر ﷺ بوده است. در نقل دوم، ابن سعد از محمد بن عمر واقدی آورده است که خدیجه رضی الله عنها پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده که بنابراین در زمان ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله، چهل ساله بوده است. (همان) با توجه به مطالبی که ذکر شد، اظهار نظر قطعی در این باره مشکل است؛ ولی معروف و مشهور این است که حضرت خدیجه رضی الله عنها پیش از پیامبر ﷺ ازدواج کرده و دارای فرزندی بوده است. آن حضرت از پیامبر ﷺ دارای سه پسر به نام‌های قاسم، طیب و طاهر شد، که هر سه در دوران قبل از بعثت و زمان جاهلیت از دنیا رفتند و نیز چهار دختر به نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه که همگی اسلام آورده و با پیامبر ﷺ هجرت کردند. (ابن هشام، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۷)

به طور قطع، در مقام بیان فضایل آن حضرت، نیازی به بررسی این‌گونه مسائل وجود ندارد؛ زیرا موضوع حائز اهمیت، شرافت، فضیلت و جایگاه آن بانو در میان مردم آن زمان است و ازدواج‌های احتمالی قبلی، خللی به این ارزش و جایگاه وارد نمی‌کند و نیازی به بحث هم ندارد. بنابراین دوشیزه بودن نمی‌تواند به عنوان ملاکی در تمایز و برتری بین زنان پیامبر ﷺ مطرح گردد؛ ضمن این‌که طبق آیه **﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَثْقَامُ﴾** (حجرات: ۱۳) معیار در فضیلت، تقوا است. در رابطه با زنان پیامبر ﷺ نیز خداوند می‌فرماید: شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر تقوا پیشه کنید. **﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ﴾** (احزاب: ۳۲)، اما به نظر می‌رسد که این افراد سعی دارند دوشیزه بودن بعضی از آنها را به عنوان فضیلتی در مقابل دوشیزه نبودن آن حضرت مطرح کنند؛ در حالی که خود آنان به این مطلب معترف هستند که اگر فضایل همه

زنان پیامبر ﷺ، بدون تعصب و با دیدی منصفانه مورد بررسی قرار گیرد، هیچ یک از این زنان، هم‌تراز خدیجه رضی الله عنها نخواهند بود. (نک: ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۷ و حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۴۹).

بنابراین همان‌طور که دوشیزه نبودن، نقص محسوب نمی‌گردد، دوشیزه بودن هم نمی‌تواند دلیل فضیلت و برتری باشد. لذا حتی اگر طبق نظر برخی مورخین، در بین زنان آن حضرت فقط یک دوشیزه وجود داشته باشد، این مسأله، باعث محبوبیت بیشتر وی نزد پیامبر ﷺ نمی‌گردد. هیچ انسان منصفی نمی‌تواند این استدلال را بپذیرد که پیامبر اکرم ﷺ با آن همه بزرگواری، زنی را تنها به این علت که دوشیزه است، بر دیگر زنان برتری دهد.

پیامبر همواره خدیجه را مدح و ثنا می‌گفت و حتی بعد از وفات آن بانو، به قدری از او و برتری هایش بر دیگر زنان خویش یاد می‌کرد که عایشه بارها حسد و رشک خود را نسبت به خدیجه بر زبان می‌آورد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۰). آن بانو، انسانی روشن‌بین، دوراندیش، باگذشت، علاقه‌مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود.

۳،۱. همسران پیامبر اسلام ﷺ

تاریخ نگاران، ازدواج‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ در طول حیات پربرکتش را ثبت کرده‌اند. البته شایان ذکر است که هر یک از ازدواج‌های حضرت، بنابر مصلحتی بود. ابن هشام در این زمینه می‌نویسد: «پیامبر ﷺ با یازده زن خطبه عقد جاری کرد و آنان را به خانه برد. از جمع زنان، دو تن در زمان حیاتش درگذشتند. بالاترین شمار زنان پیامبر ﷺ در یک زمان، نه نفر بود. با دو تن دیگر به نام‌های «اسماء کنذیه و عمّره کلاییه» به خواندن خطبه عقد بسنده کرد». (ابن هشام، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۴)

از بین همسران پیامبر ﷺ درباره حضرت خدیجه رضی الله عنها روایات زیادی نقل شده است. طبق روایات اهل تسنن، خدیجه رضی الله عنها با فضیلت‌ترین زنان اهل بهشت است. ابن عباس می‌گوید: '

۱. «خط رسول الله ﷺ في الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله ورسوله أعلم فقال رسول الله ﷺ أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران وآسية بنت مزاحم امرأة فرعون»

«نبی مکرم صلی اللہ علیہ وسلم با انگشت روی زمین چهار خط کشید و فرمود: بگویم معنای این چهار خط چیست؟ عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می دانند. حضرت فرمود: بافضیلت ترین زنان اهل بهشت: خدیجہ بنت خویلد، فاطمہ بنت محمد، مریم بنت عمران و آسیہ بنت مزاحم همسر فرعون هستند» (ابن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۷۷). باید توجه داشت که در میان همسران پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم، فقط اسم حضرت خدیجہ رضی اللہ عنہا در شمار بافضیلت ترین زنان اهل بهشت آمده است.

همچنین حاکم نیشابوری از عبدالله جعفر نقل می کند که نبی مکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: خدا به من دستور داده که به خدیجہ مؤدبه دهم که برای او خانه ای در بهشت از ستون هایی از طلا در نظر گرفته است که هیچ فریاد و رنجی در آن نیست» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۴۹). وی بر صحیح بودن روایت نیز تأکید کرده و روایتی مشابه این حدیث را که عایشه از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نقل کرده است، بیان می کند. (همان، ح ۴۸۵۰)

روایت بعدی، روایتی است در مسند احمد که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: افضل زنان بهشت: خدیجہ دختر خویلد، فاطمہ دختر محمد، مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی و آسیہ همسر فرعون است. وی سپس صحت اسناد این روایت را مورد تأیید قرار می دهد. (همان، ح ۴۸۵۲)

زنان پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم نیز به فضیلت آن حضرت در بین تمام زنان پیامبر اقرار داشتند. عایشه، فضیلت حضرت خدیجہ را این گونه مطرح می کند: روزی به حضرت زهرا گفتم آیا به تو بشارت ندهم؟ من از پیغمبر شنیدم که فرمود: سرور زنان بهشت چهار نفر هستند: مریم دختر عمران، فاطمہ دختر محمد، خدیجہ دختر خویلد و آسیہ (همان، ح ۴۸۵۳). خود او اقرار می کند که «ما غِرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غِرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَمَا زَأَيْتُهَا وَلَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يُكْثِرُ ذِكْرَهَا وَزَيْبَمَا دَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطُّعُهَا أَغْصَاءً ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرَبِّمَا قَلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَكَانَتْ وَكَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛ أَنْ طَوْرُكَ مِنْ بِنْتِ خَدِيجَةَ حَسَدٌ مِي وَرَزِيدٌ، بَه هِيْجَ زَنِي حَسَدٌ نَمِي وَرَزِيدٌ وَ بِيْغَمْبَرٌ بَعْدَ از فَوْتِ خَدِيجَةَ بَا مِنْ از دَوَاجِ كَرْد (در زمان حیات او با من ازدواج نکرد)؛ اما پیامبر خیلی به یاد خدیجہ بود و وقتی گوسفندی قربانی

۱. «أمرت أن أبعث خديجة ببیت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب»

می‌کرد، تکه تکه می‌کرد و به دوستان و بستگان حضرت خدیجه هدیه می‌داد. پیغمبر به قدری به یاد حضرت خدیجه بود و ذکر خیر او را می‌کرد که گفتم یا رسول الله! گویا در دنیا و آخرت زنی غیر از خدیجه وجود ندارد؟ و می‌فرمود: چنان بود و چنان بود و من از او فرزند داشتم». (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ح ۳۸۱۸)

نکته جالب توجه در این روایت این است که در ذیل روایت یعنی عبارت: «فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ وَ كَانَتْ لِي مِنْهَا وَكَلْدٌ» از تعبیر «کانت و کانت» استفاده شده است. در حالی که در روایات مشابه، به ویژگی‌ها و فضایل حضرت خدیجه عليها السلام اشاره شده است؛ اما در این حدیث، تنها ویژگی آن حضرت، بچه دار شدن از پیامبر صلى الله عليه وآله دانسته شده است؛ با اینکه فرزندداشتن از رسول خدا صلى الله عليه وآله یکی از فضایل حضرت خدیجه عليها السلام است، اما عدم ذکر بقیه فضایل آن بانو و انحصار فضیلت ایشان به فرزندآوری، دور از انصاف و اگر به عمد باشد، نوعی کتمان حقیقت محسوب می‌شود. این مطلب که علاقه پیامبر صلى الله عليه وآله به خدیجه عليها السلام فقط به خاطر فرزندداشتن از او بوده است، بی‌اساس و مغایر با سیره نبوی است. این‌گونه تعابیر اگر با هدف مخفی ساختن فضایل حضرت خدیجه عليها السلام بیان شده باشد، به طور قطع، در شمار ظلم‌هایی است که در حق آن حضرت صورت گرفته است.

۳،۲. محبوبیت حضرت خدیجه عليها السلام نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله

به اذعان تاریخ‌نگاران، حضرت خدیجه عليها السلام اولین و محبوب‌ترین همسر پیامبر صلى الله عليه وآله بود و در مدت حیات ایشان، آن حضرت، همسر دیگری اختیار نفرمود. (ابن‌هشام، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۲۷ و عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۴)

سجایای اخلاقی حضرت خدیجه عليها السلام آن چنان زیاد بود که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله همواره او را مدح و ثنا می‌گفت و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می‌داد و از او بسیار تجلیل می‌کرد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۰). این نوع برخورد به حدی خاص و ویژه بود که عایشه می‌گفت: بر هیچ یک از زنان پیامبر صلى الله عليه وآله به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر صلى الله عليه وآله بسیار او را یاد می‌کرد. (همان)

۱. «كان النبي يثنى عليها و يفضلها على سائر امهات المؤمنين و يباليغ في تعظيمها»

مقریزی در این مورد، جملاتی اضافه بر ذهبی دارد که جای تأمل و دقت است: «و مناقبها حجه و هی بمن کمل من النساء، کانت عاقله، جلیله، دینه، مصونه، کریمه من اهل الجنه و کان النبی یشی علیها.....؛ مناقب آن بانو دلیل و حجت و وی از زنان کامل بود. بانویی عاقل، بزرگوار، متدین، مصون و شخصیتی باکرامت از اهل بهشت که پیامبر صلی الله علیه و آله همواره او را مدح می‌کرد». (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۴)

بخاری در این مورد روایتی نقل می‌کند که عایشه می‌گوید: بر هیچ زنی آن قدر حسد نورزیدم که بر خدیجه حسد ورزیدم. او را درک نکردم و قبل از ازدواج من با رسول خدا از دنیا رفته بود؛ ولی حسدم به این سبب بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بیشتر یاد می‌کرد و خداوند او را به خانه‌ای بهشتی از طلا و دُر و یاقوت بشارت داده بود و هرگاه گوسفندی را ذبح می‌کرد، برای دوستان خدیجه هدیه می‌فرستاد» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۳۸۸).

بخاری در روایت دیگر از عایشه نقل می‌کند که هاله، خواهر خدیجه اجازه شرفیابی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست. آن حضرت به یاد خدیجه افتاد و برافروخته شد و فرمود: خدایا هاله آمده است. من ناراحت شدم و گفتم: چقدر از پیرزنی از پیرزنان قریش که دندان‌هایش افتاده بود یاد می‌کند، او مرده است و خدا بهتر از او را به تو داده است (همان، ص ۱۳۸۹). احمد بن حنبل همین روایت را به نقل از عایشه با عبارات بیشتری که به دلایل فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارد، بیان می‌کند.^۱ (ابن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۱۱۷)

این روایت تا عبارت «قد أبدلك الله عزوجل بها خيراً منها» با روایت قبل در صحیح بخاری یکسان است؛ اما نکته قابل توجه، ادامه روایت است که در مسند احمد آمده ولی بخاری آن را ذکر نکرده است.^۲

۱. «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسحاق أنا عبد الله قال أنا مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان النبي صلی الله علیه و آله إذا ذكر خديجة أتني عليها فأحسن التناء قالت فعزت يوماً فقلت ما أكثر ما تذكرها حمراء البندق قد أبدلك الله عزوجل بها خيراً منها قال ما أبدلني الله عزوجل خيراً منها قد آمننت بي إذ كفر بي الناس وصدقني إذ كذبني الناس وواستني بما لها إذا حرمني الناس ورزقني الله عزوجل وكدها إذ حرمني أولاد النساء»

۲. «قال ما أبدلني الله عزوجل خيراً منها قد آمننت بي إذ كفر بي الناس وصدقني إذ كذبني الناس وواستني بما لها إذا حرمني الناس ورزقني الله عزوجل وكدها إذ حرمني أولاد النساء»

بیانات پیامبر ﷺ در پاسخ به اعتراض عایشه، بسیار حائز اهمیت است. ایشان در ابتدا به پاسخی مبنی بر این که خداوند بهتر از او نصیبم نفرموده است، اکتفا می‌کند و سپس ویژگی‌های حضرت خدیجه را بیان می‌فرماید: «وقتی که همه مردم از من رویگردان بودند، او به من ایمان آورد. تصدیقم کرد وقتی که دیگران مرا تکذیب کردند. مال و ثروتش را در اختیارم گذاشت وقتی که دیگران محروم کردند. خداوند از او به من فرزندی داد، وقتی که از دیگر زنان محروم بودم». این جملات سرشار از عشق و محبت و تقدیر از مقام شامخ آن بانو و اسوه زنان جهان، هر انسان منصف غیر متعصب را به حیرت وادار می‌کند.

هیثمی بعد از ذکر این روایت، راوی و سند آن را تأیید می‌کند (هیثمی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۲۴). مسلم نیشابوری نیز همین روایت را نقل کرده است؛ اما او نیز مانند بخاری، سخن پیامبر خدا ﷺ در جواب عایشه را حذف کرده است. (مسلم، ۱۹۷۲، ج ۴، ص ۱۸۸۹، ح ۲۴۳۷)

حضرت خدیجه را مایه آرامش و تسلائی خاطر رسول خدا ﷺ بود. سجایا و فضایل اخلاقی خدیجه سبب شد تا برای همسری پیامبر اکرم ﷺ شایسته شمرده شود. طبق روایات، او برای رسول خدا ﷺ یاور صدیق بود^۱ (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۴). تعبیر وزیر راستین اسلام، بسیار ارزشمند است؛ زیرا چنین تعبیری در مورد هیچ‌یک از زنان پیامبر ﷺ نقل نشده است. عبارت «کان یسکن الیها» ماضی استمراری است؛ یعنی سکون و آرامشی که پیامبر خدا ﷺ در کنار خدیجه داشت، امری مداوم و مستمر بود، نه اینکه مربوط به یک زمان و یا حادثه خاصی باشد. این مساله، نکته‌ای بسیار ارزشمند و قابل توجه در همسری حضرت خدیجه با پیامبر ﷺ است. پیامبر ﷺ به یاری او و حمایت بی‌دریغ و شجاعانه‌اش، بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد و با مهر و صفای وصف ناپذیر او، آرامش خاطر می‌یافت.

آن بانوی بزرگ اسلام از چنان ارزشی نزد رسول خدا ﷺ برخوردار بود که پیامبر ﷺ جوانی خود را به او بخشید و تا آن بانو زنده بود، زنی را در برابر وی قرار نداد. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۰)

۱. «وَ كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةً صَدِيقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا».

احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد خدیجه علیها السلام فراوان و بسیاری از آنها مربوط به بعد از وفات آن بانوی بزرگوار است. این مسئله بر این مطلب دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله به دفعات از او یاد کرده است. همچنین طبق روایاتی که ذکر گردید، هرگاه نام آن بانو در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برده می‌شد، می‌گریست و به نیکی از حضرت خدیجه علیها السلام و سجایا و فضایل ایشان یاد می‌کرد. در رابطه با جایگاه این بانوی بزرگوار نزد مکتب وحی و رسول خدا صلی الله علیه و آله، از ابوهریره نقل شده است که جبرئیل خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرضه داشت که حضرت خدیجه علیها السلام با ظرفی از غذا و آب نزد او می‌آید. وقتی خدیجه علیها السلام آمد، از طرف خدای عالم به او سلام برسان. از من جبرئیل هم به او سلام برسان^۱ (مسلم، ۱۹۷۲، ج ۴، ص ۱۸۸۶، ح ۲۴۳۲ و بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳۶۰۹). حاکم نیشابوری این روایت را صحیح و طبق شرائط صحیح مسلم و بخاری دانسته است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۰۴، ح ۴۸۵۱)

این بشارت مهم الهی علاوه بر صحیحین، در تمام کتاب‌های سنن، مسانید و دیگر صحاح اهل تسنن نیز آمده است. شاید اگر این مطلب در کتب معتبر اهل تسنن بیان نشده بود، بیان و حتی تصور این جایگاه عظیم که خدای عالم به یک زن سلام برساند، برای مردم سخت بود. شایان ذکر است که نمونه‌ای از سلام خدا و جبرئیل برای بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در هیچ‌یک از منابع اهل تسنن وجود ندارد؛ بنابراین همین روایت در بیان عظمت و جایگاه آن حضرت در اسلام کفایت می‌کند.

وفات آن بانو آن قدر برای پیامبر صلی الله علیه و آله سخت و جانکاه بود که آن اسوه صبر و بردباری، آن سال را عام الحزن نامید. (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۶)

۴. جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن و تفاسیر اهل تسنن

بر اساس آیه شریفه «وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶) همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، مادران مؤمنان محسوب می‌شوند. آن بانو اولین مصداق این جایگاه عظیم در اسلام بود. توجه به آیه «یا

۱. «یا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِيَّاءَ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أُنْتَكُ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ وَمَنِي»

نِسَاءِ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْنَنَّ» (احزاب: ۳۲) حقیقت این ارزش و منقبت را تبیین می‌کند. شرط مذکور در آیه، یعنی تقواداشتن به این مسئله اشاره دارد که همسر پیامبر بودن فی حدّ ذاته شرافتی برای انسان نیست؛ بلکه این تقوا و عمل صالح است که وقتی با مقام همسری پیامبر توأم گردد، فضیلت محسوب خواهد شد. مفسرین اهل تسنن، به اهمیت تقوای همسران پیامبر ﷺ اذعان دارند و سیوطی با نقل روایتی از قتاده به این مسأله اشاره کرده است: «وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي حَاتِمٍ عَنْ قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ الْآيَةِ يَقُولُ أَنْتَنَ أَزْوَاجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ تَنْظُرُنَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِلَى الْوَحْيِ الَّذِي يَأْتِيهِ مِنَ السَّمَاءِ وَأَنْتَنَ أَحَقُّ بِالتَّقْوَى مِنَ سَائِرِ النِّسَاءِ» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۶). بنا بر این روایت، زنان پیامبر ﷺ به دلیل برخوردارگی از نعمت همراهی و مصاحبت با آن حضرت و همچنین حضور در خانه‌ای که وحی الهی در آن نازل می‌گردید، به تقواداشتن، اولویت دارند.

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكِ وَطَهَّرَكِ وَخَدَّوْنَهُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ وَ[یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است» (آل عمران: ۴۲) هر چند مخاطب قرآن در این برتری کمال و پاکی، حضرت مریم علیها السلام است، لکن با توجه به این که مفسران اهل تسنن چون قرطبی و آلوسی در ذیل تفسیر این آیه با استناد به کلامی از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: «خدیجه بر زنان اتم برتری یافت، همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داشت» و «بهترین زنان، مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد هستند» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۴۹ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۸۳) گویای این واقعیت است که حضرت خدیجه علیها السلام از مصادیق این آیه است.

در کتب تفسیری اهل تسنن به شرافت ایشان اشاره شده تا حدی که پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را در شمار چهار زن برتر و سالار زنان روزگار شمرده است^۱ (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۴۹). این روایت در تفاسیر روایی اهل تسنن، نیز نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۳)

حضرت خدیجه علیها السلام در بی‌نیازی پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر مالی و معنوی نیز نقش مهم و قابل

۱. «أربع نسوة سادات عالمهن: مریم بنت عمران، وأسية بنت مزاحم، وخديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله وأفضلهن عالما فاطمة».

توجهی داشت که آیه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَاغْنَى؛ و تو را فقیر الی الله یافت و سپس بی نیاز کرد» (ضحی: ۸) ناظر بر این مطلب است. در تفسیر فرات کوفی با استناد به کلامی از ابن عباس، خدیجه را عامل غنای رسول الله ﷺ دانسته است.^۱ (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۶۹، حدیث ۷۳۰)

روایتی که از حاکم حسکانی حنفی مذهب در تفسیر آیه ۷۴ سوره فرقان «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی اند که می‌گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان»، ذکر شده است، بیش از پیش، نقش و جایگاه حضرت خدیجه را آشکار می‌کند. در این روایت، حاکم در تفسیر آیه مذکور و ذکر مصادیق آن، روایت نبوی را ذکر می‌کند که در آن، منظور از «آزواجنا»، حضرت خدیجه و از «ذریاتنا»، حضرت فاطمه و از «قره عین»، حسنین و از عبارت «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»، حضرت علی بیان شده است.^۲

(حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۱۶)

همچنین زمخشری در ذیل آیه «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِنَ الثَّوَابِ» (تحریم: ۱۲) با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام جایگاه خاص این بانو را مطرح ساخته و به این موضوع اشاره کرده است که بسیاری از مردان به کمال رسیدند و از زنان، کسی جز آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه به کمال نرسیدند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۷۳). باید توجه داشت اولین بار یکی از مفسران اهل تسنن در قرن چهارم، این روایت را ذیل آیه مذکور نقل کرده و روایت «سیدات نساء أهل الجنة أربع: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» را نیز از پیامبر در ادامه آن آورده است. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۳۰۹)

زمخشری در ادامه تفسیر آیه مذکور با بیان ادامه این روایت، به فضیلت عایشه هم اشاره می‌کند:^۳ «و فضیلت عایشه بر سایر زنان مانند فضیلت آبگوشت بر سایر غذاهاست». وی

۱. «عن ابن عباس رضي الله عنه: و وجدك ضالا «عن النبوه» فهدى «الي النبوه» و وجدك عائلا «فاغني» بخديجه».

۲. «و عن الحاكم الحسكاني الحنفي عن ابي سعيد في قوله تعالى «هب لنا» الآية. قال النبي ﷺ: قلت: يا جبرئيل من ازواجنا؟ قال: خديجه. قال: من ذريتنا؟ قال: فاطمه و «قره عين». قال: الحسن و الحسين. قال: «واجعلنا للمتقين اماما». قال: علي ﷺ».

۳. «و فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام»

می‌گویند که این روایت را ثعلبی از دو طریق با همین مضمون نقل کرده است. یکی از طریق عمرو بن مرزوق و دیگری از طریق ابوموسی اشعری که در آن، ذکری از خدیجه و فاطمه علیهما السلام نشده است. اما در حدیث ابن عباس، نام آن دو بانو آمده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۷۴) عبارت انتهایی این روایت، قابل تأمل است. هر چند «ثرید»، غذای مورد علاقه اعراب بوده است؛ اما استفاده از این الفاظ و به‌کاربردن چنین تشبیهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بعید به نظر می‌رسد. این مسأله را می‌توان با تأمل در جملات آن حضرت و نحوه گفتار ایشان در زمانی که در صدد بیان فضیلت افراد خاصی بودند، به وضوح دریافت. لذا این احتمال وجود دارد که خود راوی این مطلب را در ادامه حدیث اضافه کرده باشد. تکرار این بخش در سه حدیث همانند بدون کوچک‌ترین تفاوتی در الفاظ و یا سلسله روایت آن (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۶۶۷-۶۱۰، ح ۳۴۱۱، ۳۴۳۳، ۳۷۶۹)، هیچ توجیهی غیر از القای فضیلت یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بر بقیه، در ذهن خواننده و تأکید بر آن ندارد. نکته مهم دیگر این است که در صحاح، عبارت انتهایی این روایت از ابوموسی اشعری بدون ذکر نام خدیجه و فاطمه علیهما السلام آمده است (بخاری، ۱۴۲۲، ص ۹۹۳، ح ۵۴۱۸، مسلم، ۱۹۷۲، ح ۲۴۳۱)؛ در حالی که به اقرار بعضی از علمای اهل تسنن، در متن اصلی روایت مورد بحث، نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است: «وفي الصحيحين وغيرهما من حديث أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا أسية امرأة فرعون و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد؛ و إن فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام». (شوکانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۰۴۸)

شوکانی از علمای معاصر اهل سنت، که صاحب آثار در علوم مختلف است، در حالی که وجود این روایت در کتاب صحیح مسلم و بخاری و غیر از صحیحین اقرار می‌کند که در صحیح بخاری، نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر نشده و به نقل روایت فضیلت عایشه بر دیگر زن‌ها اکتفا شده است. طبق بیان و اقرار این عالم مشهور اهل تسنن، نام آن حضرت در صحیح بخاری بوده است؛ اما در حال حاضر، اسم حضرت خدیجه علیها السلام در روایت مذکور در آن کتاب دیده نمی‌شود؛ لذا لازم است که دلیل حذف اسم ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

بهترین و خوش‌بینانه‌ترین فرضی که در این مورد می‌توان تصور کرد، این است که این

اشتباه به طور سهوی و بر اثر بی دقتی و بی توجهی صورت گرفته باشد، اما به نظر می رسد این نوع برخورد در مورد شخصیت های مهمی چون حضرت خدیجه علیها السلام و آن هم در کتب مرجع و اصلی مانند صحیحین، قابل قبول و توجیه پذیر نیست؛ به ویژه اگر این بی دقتی در مورد شخصیتی باشد که ۲۵ سال، شبانه روز در کنار نبی مکرم صلی الله علیه و آله بوده و در تمام مراحل از او حمایت کرده است. کسی که به تمام خواستگاران خود از میان قریش و شخصیت های بزرگ جواب رد داد، ولی خودش برای خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام کرد و در زمانی به حمایت از اسلام پرداخت که حتی مردان شجاع هم جرأت چنین کاری را نداشتند. به هر حال، با اقرار صریح شوکانی، احتمال این که در تحریفی در نسخ قدیمی صورت گرفته باشد، وجود دارد.

نتیجه گیری

شخصیت برجسته حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام مورد توجه همگان قرار گرفته است. در این میان، علمای اهل تسنن اعم از مفسران و تاریخ نگاران، همگی به بررسی و نقل زندگی ایشان پرداخته اند. این بررسی ها گاه عاری از تعصب و اعمال سلیقه شخصی و گاهی نیز مغرضانه و غیر منصفانه صورت گرفته است. به همین دلیل، در بعضی موارد سعی شده است که زوایای زندگی این بانوی نمونه اسلام مخفی بماند.

این پنهان کاری بزرگ تاریخی، اگر نگوئیم تحریف تاریخی، در حالی انجام شده است که ویژگی های شخصیتی، قدرت و توانمندی عجیب ایشان، زبانزد عام و خاص دوران خود بوده است. اعتقاد، اخلاق، عملکرد و رفتار آن بانو در اوج خفقان شرک و خرافه پرستی، نور و امید و در دل حق جویان بود. ایمان به خدا، حمایت از پیامبر آخر الزمان و پایداری در راه حق آن گونه در وجود او متجلی بود که وجودش مایه فخر اسلام، دلگرمی پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه و سرمشق مسلمانان شد. حضرت خدیجه علیها السلام متعلق به عصر جاهلیت و ظهور اسلام نیست؛ بلکه واکاوی شخصیت و بررسی زوایای فکری و اخلاقی او می تواند بارقه امید برای تمام مردم جهان در مسیر نجات از جاهلیت عصر حاضر باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۱۷ق، السیره النبویه، چاپ جدید، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۴. _____، بی تا، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی السقاء ابراهیم الایاری و عبدالعزیز شلیبی، بیروت: دارالمعرفه.
۵. ابن سعد، محمد، ۱۴۲۰ق، طبقات الکبری، بیروت: دار الفکر.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، بی تا، مسند احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
۷. اصبهانی، ابی نعیم احمد بن عبدالله، ۱۴۰۹ق، دلائل النبوه، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.
۸. ایچی، عضدالدین عبدالرحمن بن أحمد، ۱۴۱۷ق، المواقف، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، چاپ اول، بیروت: دارالنشر (دار الجیل).
۹. امین، سیدمحسن، ۱۴۱۸ق، اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین، چاپ پنجم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۰. ابن اثیر، عزالدین بن الاثیر ابوالحسن علی بن محمد الجزری، ۱۴۰۹ق، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۱۱. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ق، صحیح بخاری، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۳ جلدی، چاپ اول، تهران: وزارت الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۲ق، المستدرک علی الصحیحین، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۳ق، سیر اعلام النبلاء، چاپ نهم، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۵. زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۰ش، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، چاپ سیزدهم، تهران: نشر معشر.
۱۹. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، ۱۴۲۲ق، فتح القدیر بین فنی الروایه و الدرايه من علم التفسیر، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.

٢٠. طبرانی، سليمان بن احمد، ٢٠٠٨م، التفسير الكبير؛ تفسير القرآن العظيم، چاپ اول، اردن (اربد)؛ دار الكتاب الثقافي.
٢١. عبدالبرّ، ابوعمريوسف بن عبدالله، ١٤١٢ق، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق: على محمد البجاوي، چاپ اول، بيروت: دارالجليل.
٢٢. قرطبي، محمد بن احمد، ١٣٦٤ش، الجامع لأحكام القرآن، ٢٠ جلدی، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
٢٣. قزوينی، حافظ ابن ماجه، بی تا، سنن ابن ماجه، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٤. کوفی، فراء بن ابراهيم، ١٤١٠ق، تفسير فراء الكوفی، ١ جلدی، چاپ اول، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبعة و النشر.
٢٥. مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري، ابی الحسين، ١٩٧٢م، صحيح مسلم، چاپ دوم، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٦. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، ١٤٢٠ق، إمتاع الأسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، تحقيق: محمد عبدالحميد المنيسي، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلمیه.
٢٧. مرتضى عاملی، سيد جعفر، ١٤٢٦ق، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، چاپ اول، قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
٢٨. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ١٤٠٣ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
٢٩. محلاتی، ذبیح الله، ١٣٧٣ش، ریاحین الشریعه، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
٣٠. ملبوبی، محمد باقر، ١٣٦٩ش، الوقایع و الحوادث، چاپ چهارم، قم: دارالعلم.
٣١. هیثمی، ابوالحسن علی بن ابی بکر، ١٤٠٧ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره، بيروت: دار الریان للتراث، دار الكتاب العربی.

